

کیهان

خواست‌ها و هواهای نفسانی انسان، مهم‌ترین و بدترین دشمن انسان است که او را به شقاوت و بدبختی اندی و در نظر رفتاری و اخلاقی او را به زوایل اخلاقی می‌کشاند از این رو در آموزه‌های اسلام همواره از آن به عنوان دشمنی که باید آن را شناخت و با مالکیت عقلای مهیا کرد و بد مدیریت آن را در دست گرفت یاد شده است.

نویسنده در این مطلب ضمن بیان آثار زیانبار سلطه هواهای نفسانی، راه‌های دهای و درمان مهیا و مدیریت این دشمن درونی را تبیین کرده است.

هواهای نفسانی، سقوط در دام غضب و شهوت
واژه هوی در زبان عربی به معنای گرایش و میل به پایین و زیر است، از همین رو معنای سقوط نیز از آن فهمیده می‌شود.
در آیه ۳۱ سوره حج نیز معنای گرایش به سقوط در لطف فهمیده می‌شود.
خداوند می‌فرماید:
و من یشک بالله فاکفاما خر من السماء فتخطفه الطیر او تهوی به الريح فی مکان سحیح؛ و هر کس به خدا سرک ورزد چنان است که گوی از آسمان فرو افتاده و مرغان شکاری او را ربودند یا باد او را به جایی دور افکندند.

بر اساس همین معنا، واژه‌های «هوه و هوی» به زمین فرو رفته، دره سخت و پر تگاه، فضای میان آسمان و زمین گفته می‌شود. (لسان العرب، ذیل واژه هوی) همچنین «هاویه» که یکی از نهایای ذوزخ است (قارعه)، به ۹، به ظرف بسیار عمیق و بی‌پایان گفته شده است. باد او را نیز به سبب آنکه گرایش به این سو و از سو از بلندی به پستی دارد، «هواه» گفته‌اند.
هواهای نفسانی و آتشین نیز هوی گفته می‌شود؛ زیرا هم گرایش شدید است و هم عامل سقوط و وابستگی؛ چنانکه می‌گویند استهوی استهواه یعنی عقل و عشق، او را ربود و سرگرداش کرد. (فرهنگ‌نامه‌های عربی) البته احوای هوا نفس در آموزه‌های قرآنی همیشه

«هواهای نفسانی»، گرایش‌های شدید و دلبستگی و وابستگی شدید نفسانی است که موجب سقوط انسان می‌شود.

به مفهوم نادرست نیست؛ زیرا در برخی از مراتب نفس یعنی مرتبه فوآد، گرایش می‌تواند مثبت باشد. آنچه هوای نفس را مثبت و منفی می‌کند، متعلق آن است. بنابراین صرف گرایش نفس و هواهای نفس، منفی نیست.
سقوط در آیه ۳۷ سوره ابراهیم از گرایش و هوای نفس به خاندن مثبت سخن به میان می‌آورد و می‌فرماید:
ربنا انی اسکت من دریتی یواد غیر ذی زرع عند یتکم المحرم ربنا لقیقمو الصلاة فاجعل أفئده من الناس تهوی الیهیم؛ پروردگار، من یکی از فرزندانم را در دمای بی‌کشمش نزد خانه محترم تو، سکونت دادم. پروردگار، تا نامساز را به پا دارد، پس دل‌های برخی از مردم را به سوی آنان گرایش ده.

در این آیه سخن از گرایش دل‌های مردم به سوی اسماعیل(ع) و فرزندانش است تا خواهان آنان شوند و به آنان دل بندند. (نگاه کنسید، تفسیرالمیزان، ذیل آیه) بنابراین آنچه هواهای نفسانی را مذموم و ناپسند می‌کند، متعلق هوای نفسانی است. از آنجا که در بسیاری از موارد هواهای نفسانی گرایش شدید به مومن پست مادی و دنیوی چون شهوت دارد، به شکل مطلق هواهای نفسانی مذموم دانسته شده است؛ چنانکه وقتی از «نفس اماره» سخن به میان می‌آید مرتبه‌ای از نفس است که بسیار به بدی امر می‌کند، در حالی که نفس بسیار امر کننده، ناپسند نیست، بلکه آنچه ناپسند

آستانه تحمل علامه کاشف‌الغطاء در برابر همسرش

۲۲ رجب سال ۱۲۲۸ هجری قمری سالروز وفات بزرگ مردی از تبار ابراهیم پسر مالک اشتر نجفی، شیخ جعفر بن خضر مالکی، معروف به «شیخ اکبر» و «کاشف‌الغطاء» یکی از بزرگ‌ترین علمای مراجع اوایل قرن سیزدهم هجری در جهان تشیع است، وی شاگرد و حوید بهبهانی و سید مهدی بحرالعلوم بود.

این مجاهد و فقیه نستوه پس از گذراندن عمری سرشار از خدمت به مکتب و امت اسلام در روز چهارشنبه ۲۲ در ۲۷ رجب سال ۱۲۲۸ هجری قمری پس از ۷۴ سال زیستن بر برکت در دنیا، به لقای خدا شافت و زندگی جوادن خود را آغاز کرد، در ادامه حکایتی از زندگانی این مرجع عالیقدر می‌آید:

اهل علم واصحاب سرش فهمیدند که همسر علامه کاشف‌الغطاء در خانه بداخلاقی می‌کند، ولی خیلی هم خبر از داستان نداشتند، اینقدر در مقام جست‌وجو برآمدند تا این نتیجه‌یورسیدند که این مرد بزرگ الهی، این فقیه عالیقدر گاهی که به داخل خانه می‌رود، همسرش حسابی او را کتک می‌زند. یک روز چهار پنج نفر جمع شدند و خدمتش آمدند، گفتند: آقا ما داستانی شنیده‌ایم از خودتان باید بررسییم، آیا همسر شما گاهی شما را می‌زند؟! فرمود: بله! عرب است، قدرتمند هم هست، قوی‌البنیه هم هست، گاهی که همسر عصبانی می‌شود، حسابی مرا می‌زند، من هم زورم به او نمی‌رسد، گفتند: او را طلاق بدهید، گفت: نمی‌دهم، گفتند: اجازه بدهید ما زن‌هایمان را بفرستیم، ادبش کنند.

گفت: این کار را هم اجازه نمی‌دهم، گفتند: چسرا! گفت: این زن در ایسن خانه برای من از اعظم نعمت‌های خداست، چون وقتی بیرون می‌آیم و در صحن امیرالمؤمنین(ع) می‌ایستم و تمام صحن، پشت سر من نماز می‌خواند، مردم در برابر من تقسیم می‌کنند، گاهی در برابر این مقاماتی که خدا به من داده، یک تزه کلاه‌های(نفس) مرا برمی‌دارد، همان وقت می‌آیم در خانه کتک می‌خورم، هوی نفسم بیرون می‌رود، این چون الهی است، این باید باشد.^(۱) از: فارس

۱.انصاریان، حسین، نفس، ص ۳۲۸

صفحه معارف روز‌های یک‌شنبه، سه‌شنبه و پنج‌شنبه منشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم:
۳۲۴۱۹۹۱ – ۳۲۰۲۲۲۱

آیه ۲۸: طه، آیه ۱۵: قصص، آیه ۵۰)

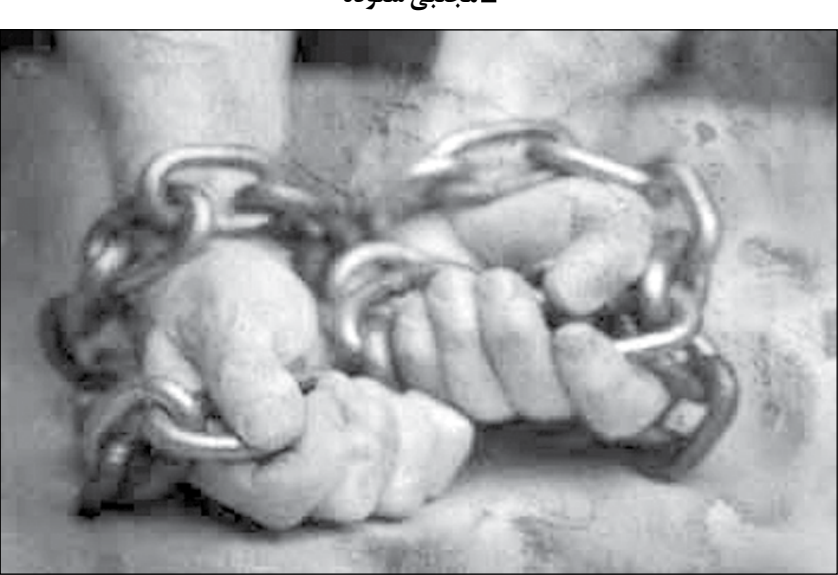
البته عده‌ای از انسان‌ها در این امر تنها به اطاعت از گرایش‌های افراطی هوای نفسانی بسنده نمی‌کنند، بلکه آن را معبود خود می‌گیرند و به جایگاه الوهیت قرار داده و به عنوان کمال مطلق آن را می‌پرستند؛ چنانکه در قرآن آمده است:
افراقتم: من اتخذ الیه هواه؛ پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده است. (جاثیه، آیه ۲۲؛ فرقان، آیه ۴۳)

به هر حال، انسانی که به نفس اماره بالسوء خویش گوش فرا دهد، او را به سمت افراط‌گری در لذت‌طلبی سوق می‌دهد و در نهایت با افراط در شهوت و غضب موجبات سقوط انسان را فراهم می‌آورد. از همین رو، این مرتبه از نفس که از آن به نفس اماره بالسوء یاد

نگاهی به چیستی، آثار و درمان هواهای نفسانی

عمری به هوس، یاد هوی پیمودم

■ **مجتبی ستوده**



می‌شود، به عنوان دشمن‌ترین دشمنان انسان معرفی می‌شود؛ چنانکه پیامبر(ص) فرمود:
اعدی عنوک نفسک التی بین جنبیک؛ بدترین و سرسخت‌ترین دشمنان تو، نفس تو است که میان دو پهلویت قرار دارد. (بحارالانوار، ج ۶۷ ص ۶۴)

آثار زیانبار پیروی از هوی و هوس‌های نفس بدفرمان

در آیات و روایات آثار زیانباری برای پیروی از هوی و هوس‌های «نفس بدفرمان» یعنی همان اماره بالسوء بیان شده است که در این جا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. **کفر**: از آثاری که برای پیروی از هوس‌های نفس

«هوی نفس از آن جهت مذموم است که زمینه‌ساز انحرافات عملی، اخلاقی و اجتماعی و حتی سبب پدید آمدن بیماری‌های روانی و بدنی برای انسان می‌شود و آدمی را به وادی گمراهی، ظلم و گناه می‌کشاند.»

بدفرمان بیان شده کفر است. (بقره، آیه ۸۷)
۲. مهر شدن دل: خداوند در آیه ۱۶ سوره محمد درباره این اثر نفس بدفرمان می‌فرماید:
اولئک الذین طبع‌الله علی قلوبهم و اتبعوا هواهم؛ آنان کسانی‌اند که خدا بر دل‌هایشان مهر زده و از خواسته‌های خویش پیروی کرده‌اند. (محمد، آیه ۱۶)
مضمون این آیه، بیانگر این است که پیروی هویی نفس با مهر شدن دل تلازم دارد.

۳. تکذیب پیامبران و قتل آنان: خداوند می‌فرماید پیروی از هوس‌ها و هویی نفس بدفرمان در تعارض با هدایتی است که انبیا می‌آورند تا آنجا که به تکذیب و قتل انبیا می‌انجامد.
خداوند می‌فرماید:
افکلما جاءکم رسول یما لا تهوی انفسکم استکرتم فرقیما کذبتم و فرقیما تقتلون؛ پس آیا هر گاه پیامبری به سوی شما چیزی را که نستانم نمی‌خواهد، بیابرد، استکبار می‌ورزید؟ سپس گروهی را تکذیب می‌کنید و گروهی را کتل می‌کشید؛ چنانکه رسول خدا(ص) می‌فرماید:
بهر علی کل قلب عزی بالشهوات ان یسکنه الورع؛ به هر قلبی که دستخوش شهوت‌هاست حرام است، که ورع و پرهیزکاری در آن سکونت یابد. (میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۳۸۵)

۱۰. هلاکت: از دیگر آثار پیروی از هواهای نفسانی هلاکت و نابودی انسان است. امیرمؤمنان علی(ع) می‌فرماید:
الهُوی قرین مَهْلَک؛ هوا و هوس، همشین به می‌شود که در مقابل حوض به معنای خارج شدن از شهر و آشکار شدن در منطقه باز و خارج از منزل است. در قالب سیر آفاق تأثیرات شناختی و روان‌شناختی به‌جا می‌گذارد و همان اندازه که شناخت انسان را نسبت به حقایق هستی و قدرت و جمال و جلال خداوندی آشکار می‌کند، موجب عبرت‌گیری، درس‌گیری از سبک زندگی دیگران، تغییر در رفتار و اخلاق، تقویت پایه‌های ارتباط اجتماعی فرد، تعامل و تبادل فرهنگی و مانند آن می‌شود که به حوزه روان‌شناختی فردی و روان‌شناختی اجتماعی باز می‌گردد.

خداوند در آیاتی از جمله ۴۵ سوره حج و ۲۱ و ۸۲ سوره غافر مسلمانان را تشویق به سیر و سفر در آفاق جهان می‌کند و در آیه ۶۲ سوره نمل فرمان می‌دهد که این کار برای مقاصد و اهداف مهمی باید انجام گیرد که برخی از آنها در قالب فلسفه سفر و اهداف آن بیان شده است.

لزوم سفر

به هدف کسب دانش و عبرت‌گیری

البته جنبه‌های اقتصادی و تجاری سفر را نمی‌توان نادیده گرفت ولی ایسن جنبه در کنار جنبه‌های شناختی، روان‌شناختی و فرهنگی آن جان و جامعه و جهان را فراهم آورد. پس هنگامی که سبور وسیله نقلیه می‌شود نام خدا را بر زبان و قلبش جاری کند و یادآور نعمت‌های خداوند بر خود و دیگران شود و این دعا را بخواند که در آیات ۱۳ و ۱۴ سوره زخرف آمده است:
سبحان الذی سخر لنا هذا و ما کننا له مقرنین و انا الی ربنا لمنتقلین؛ یعنی پاک و مکرنا از خدای است که این وسیله را رام و مسخر من ساخت و اگر اراده خداوند نبود براریمان چنین تسلطی بر این وسیله ممکن نبود و ما هر ایینه به سوی پروردگارمان برمی‌گردیم، و برای اینکه سلامت به مقصد برس

این جمله را در قالب دعا بخواند که حضرت نوح(ع

معارف

Maaref@Kayhan.ir

را می‌کشید؟ (بقره، ۸۷)

۱۴. اعراض از آیات حق: از آثار زیانبار هوس‌پرستی انسان، اعراض از حقایق و آیات روشن الهی است؛ چنانکه خداوند می‌فرماید:
هر گاه آیه و معجزه‌ای ببینند، اعراض می‌کنند و می‌گویند این سحری است مداوم و پیامبر خدا و معجزاتش را تکذیب و از خواسته‌های خویش پیروی کردند، حال آنکه هر امری ثابت است و در جای خود معلوم می‌شود که راست است یا دروغ.

(قمر، آیات ۲ و ۳)

۵. دوزخ: سرانجام کسانی که پیروی از هوس‌های نفس بد فرمان می‌کنند، دوزخ و آتش آن است؛ چنانکه امیرمؤمنان علی(ع) می‌فرماید:
الناجون من النار قلیل لغلبه الهوی و الضلال؛ نجات‌یافتگان از آتش کمد به

حکایت‌های زیان‌های هواهای نفسانی

هلاکت اندازنده است. (میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۳۷۴)
۱۱. سقوط در درک دوزخ: امیر مؤمنان امام علی(ع) می‌فرماید:
الهُوی هوی الی اسفل السالفین؛ هوا و هوس، به پایین‌ترین و پست‌ترین پستی‌ها می‌کشاند. (میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۳۷۳)

۱۲. اساس رنج: امیرمؤمنان اسام علی(ع) می‌فرماید:
الهُوی اس المعن؛ هوا و هوس اساس و ریشه تمام بلاها و سختی‌ها است. (میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۳۷۳)

عز و جل می‌فرماید:
قسم به عزت و جلال و کبریا و علو عز و رفاع مکتوم که اختیار نکند بنده‌ای هویی خوش را بسر هویی من مگر آنکه کارش را برانگند کند و دنیای او را در هم کتم و قلب او را مشغول دنیا نماید و حال

آنکه از دنیا فقط به اندازه‌ای که برایش مقدر نموده‌ام

بدهم. قسم به عزت و جلال و عظمت و بزرگی و رفعت مکانتم که اختیار نکند بنده‌ای هویی مرا بر هویی خود مگر آنکه ملائکه خود را حافظ او گردانم و آسمان‌ها و زمین را متفکّل زرق و رزوی او گردانم و من برای او دنیاله تجارت هر تاجری خواهم بود؛ یعنی من برای او تجارت کتم و رزوی او را برسانم و بیاید او را در دنیا در صورتی که متفاد و ذلیل اوست. یعنی با اینکه

و رغبت به دنیا ندارد، دنیا به او رو کند و دنیا نزد او و پیش او خوار و ذلیل باشد. (ربیعن حدیث امام خمینی، ج ۱، ص ۱۶۸)

۱۳. آخرت‌فروشی: پیروی از هوس‌های نفس بدفرمان، آخرت‌فروشی است. امام علی(ع) می‌فرماید:
من اطاع هواه باع آخرته بدهنایه؛ هر کس پیروی از هوا و هوس خود کند آخرت خود را به دنیای خود فروخته است. (میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۳۸۰)

راه‌های مبارزه با نفس بدفرمان
راه دست‌یابی به مقامات انسانی آن است که انسان بتواند از همه مراتب و شئونات نفس در چارچوب طبیعت فطری آن یعنی امتثال بهره گیرد و سبب هر بخش را به درستی ادا کند. پس همان‌طوری که سرکوب شهوت و غضب به معنای نیستی و نابودی آن، امری نادرست است و انسان را از کمالات باز می‌دارد؛ زیرا انسان نیازمند قوه جائیه و دافعه است تا دشمن بیرون و درونی را براند و نیازهای خویش را برآورد

سازد؛ همچنین اگر راه افراط بیامید آسیب خواهد دید. بنابراین راه افراط و فریط راهی باطل است و انسان می‌بایست همواره راه اعتدال را در حوزه نفس در پیش گیرد.

۸. فقدان صحت و سلامت: یکی دیگر از آثار زیانبار پیروی هوای نفسانی از دست رفتن سلامت است. از این رو علی(ع) می‌فرماید:
خالف الهوی تسلّم؛ با هویی نفس مخالفت کن تا سالم باشی. (میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۳۸۲)

۹. از دست رفتن ورع و تقوا: ملاک و معیار کرامت انسانی تقوای الهی است. مرتبه عالی آن ورع نام دارد. کسی که هوس‌ها را رام نکند، از تقوای بهرام خواهد شد؛ چنانکه رسول خدا(ص) می‌فرماید:
بهر علی کل قلب عزی بالشهوات ان یسکنه الورع؛ به هر قلبی که دستخوش شهوت‌هاست حرام است، که ورع و پرهیزکاری در آن سکونت یابد. (میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۳۸۵)

۱۰. هلاکت: از دیگر آثار پیروی از هواهای نفسانی هلاکت و نابودی انسان است. امیرمؤمنان علی(ع) می‌فرماید:
الهُوی قرین مَهْلَک؛ هوا و هوس، همشین به می‌شود که در مقابل حوض به معنای خارج شدن از شهر و آشکار شدن در منطقه باز و خارج از منزل است. در قالب سیر آفاق تأثیرات شناختی و روان‌شناختی به‌جا می‌گذارد و همان اندازه که شناخت انسان را نسبت به حقایق هستی و قدرت و جمال و جلال خداوندی آشکار می‌کند، موجب عبرت‌گیری، درس‌گیری از سبک زندگی دیگران، تغییر در رفتار و اخلاق، تقویت پایه‌های ارتباط اجتماعی فرد، تعامل و تبادل فرهنگی و مانند آن می‌شود که به حوزه روان‌شناختی فردی و روان‌شناختی اجتماعی باز می‌گردد.

آداب سفر در اسلام

■ **منصور اکبری**

مقام گفتار و هم در مقام عمل، روایات و احادیثی آمده است که بیانگر سبک زندگی آنان و آداب مسلمانانی در سفر است. به عنوان نمونه امام صادق(ع) در بیان اهداف سفر به نیت خیر این‌گونه توجیه می‌دهد و می‌فرماید:
مسافرت باید برای یکی از این سه امر باشد:
۱- تهیه توشه آخرت
۲- تأمین معاش و زندگی
۳- لذت مساحت و تفریح غیر حرام.
دیگر آداب سفر این است که تمکد دارد و ائومیل و وسیله نقلیه‌اش مشکل پیدا کرده و یا به سوخت نیاز دارد به او تمک کنیم.

از دیگر آداب سفر که در قرآن به آن اشاره شده دعوت دیدگان از خویشان و دوستان به سفر است. در سفر است. این مطلب را می‌توان از آیات ۵۸ و ۵۹ سوره یوسف به دست آورد.

سفر تنها نباید تفریحی و برای سرگرمی باشد بلکه از سفر باید به عنوان یک کلاس درس بهره گرفت. امیرمؤمنان صدر اسلام حتی از سفرهای جهادی برای آموزش دین و شناخت هستی، فلسفه زندگی، فلسفه احکام، شناخت احکام و راه به کارگیری آن سود می‌جستند و این سفرها راه سه کارگاه عملی تبدیل می‌گردند. در حقیقت سفرها در حکم دانشگاه‌های علمی کاربردی است.

از همین‌رو خداوند سفر را با چنین عنوانی در آیه ۱۲۲ سوره توبه معرفی کرده است.
کسب که در زمانه‌های گذشته به نیت خیر این‌گونه توجیه می‌دهد و می‌فرماید:
مسافرت باید برای یکی از این سه امر باشد:
۱- تهیه توشه آخرت
۲- تأمین معاش و زندگی
۳- لذت مساحت و تفریح غیر حرام.
دیگر آداب سفر این است که تمکد دارد و ائومیل و وسیله نقلیه‌اش مشکل پیدا کرده و یا به سوخت نیاز دارد به او تمک کنیم.

از دیگر آداب سفر که در قرآن به آن اشاره شده دعوت دیدگان از خویشان و دوستان به سفر است. در سفر است. این مطلب را می‌توان از آیات ۵۸ و ۵۹ سوره یوسف به دست آورد.

سفر تنها نباید تفریحی و برای سرگرمی باشد بلکه از سفر باید به عنوان یک کلاس درس بهره گرفت. امیرمؤمنان صدر اسلام حتی از سفرهای جهادی برای آموزش دین و شناخت هستی، فلسفه زندگی، فلسفه احکام، شناخت احکام و راه به کارگیری آن سود می‌جستند و این سفرها راه سه کارگاه عملی تبدیل می‌گردند. در حقیقت سفرها در حکم دانشگاه‌های علمی کاربردی است.

از همین‌رو خداوند سفر را با چنین عنوانی در آیه ۱۲۲ سوره توبه معرفی کرده است.
کسب که در زمانه‌های گذشته به نیت خیر این‌گونه توجیه می‌دهد و می‌فرماید:
مسافرت باید برای یکی از این سه امر باشد:
۱- تهیه توشه آخرت
۲- تأمین انمیت خود و دیگر همسفران
۳- دیگر آداب سفر است که در قرآن قرائی شود. آیه ۴۱ سوره هود و آیات سوره فرقان، ج ۱۵ و سوره سبأه به آن توجه داده شده است. پس رعایت اموری چون بستن کمربند ایمنی، سرویس ائومیل و پش از سفر، تأمین وسایل آسایش از مواد غذایی و بهداشتی و مانند آنها می‌بایست در برنامه سفر قرار گیرد.

در سنتن و سیره پیشوایان دین یعنی هم در

«امام کاظم(ع) در حدیثی زیبا راه مبارزه با نفس را اینگونه بیان می‌کند: هرگاه دو کار برایت پیش آید که ندانستی کدام یک بهتر و درست‌تر است، نگاه کن کدام یک از آنها به هوس و میل قلبی تو نزدیک‌تر است، با همان مخالفت کن، چرا که در مخالفت نفس، خیر بسیار نهفته است.»

مواظب خودتان باشید. امام صادق(ع) می‌فرماید:
احذروا اوهاکم کما تحذرون اعداءکم فلیس شی اعدی للرجال من اتباع اوهاهم و حساند السنتمهم؛ از هوا و هوس‌های خود حذر کنید چنانچه از دشمنانتان فاصله می‌گیرید

که هیچ دشمنی، دشمن‌تر از پیروی هوای نفسانی و کشتارهای زبان‌هایتان نیست. (میزان الحکمه،ج ۱۰، ص ۳۸۱)

برای اینکه «نفس بدفرمان» ما را به کارهای افراطی نکشاند باید راه‌هایی را انتخاب کرد تا مدیریت عقل به جای مدیریت نفس بدفرمان قرار گیرد. از جمله راه‌هایی که بیان شده عبارتند از:

۱- اهتمام به کرامت: توجه و اهتمام انسان به کرامت تفضیلی الهی و اکتسابی و تحصیلی خود، موجب می‌شود تا دست از شهوترانی و هوسرانی بردارد. امام علی(ع) می‌فرماید:
من کرمت علیه نفسه حانت علیه شهوته؛ هر که نفسش برایش از زمینند باشد، شهوت او مگر آنکه ملائکه خود را حافظ او گردانم و آسمان‌ها و زمین را متفکّل زرق و رزوی او گردانم و من برای او دنیاله تجارت هر تاجری خواهم بود؛ یعنی من برای او تجارت کتم و رزوی او را برسانم و بیاید او را در دنیا در صورتی که متفاد و ذلیل اوست. یعنی با اینکه

«انسانی که به نفس اماره بالسوء خویش گوش فرا دهد، او را به سمت افراط‌گری در لذت‌طلبی سوق می‌دهد و در نهایت با افراط در شهوت و غضب موجبات تباهی انسان را فراهم می‌آورد.»

و رغبت به دنیا ندارد، دنیا به او رو کند و دنیا نزد او و پیش او خوار و ذلیل باشد. (ربیعن حدیث امام خمینی، ج ۱، ص ۱۶۸)

۱۳. آخرت‌فروشی: پیروی از هوس‌های نفس بدفرمان، آخرت‌فروشی است. امام علی(ع) می‌فرماید:
من اطاع هواه باع آخرته بدهنایه؛ هر کس پیروی از هوا و هوس خود کند آخرت خود را به دنیای خود فروخته است. (میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۳۸۰)

۳- حلم و بردباری: انسان خردمند، حلیم و بردبار است و نه تنها با معمولی امر می‌دارد، بلکه در مقابلش پست است (میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۳۸۸)

میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۳۸۸)
۴- یاد قبر و معاد: خداوند متعال به موسی وحی کرد:
به یاد آور که در قبر سکتی گزیده‌ای پس یاد مرگ را در بیشتر شهوت‌ها باز می‌دارد. (میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۳۸۸)

۵- ریاضت علمی و عملی: ریاضت‌های علمی و عملی موجب می‌شود تا نفس سرگرم اموری شود و دیگر هوسرانی نکند. امیر مومنان امام علی(ع) می‌فرماید:
خدمت به نفس، با برداشتن آن از لذت‌ها و خواهش‌ها و شناخت و تمرین دادن آن به دانش‌ها و حکمت‌ها و اودار کردن آن به عبادت‌ها و پیروی از خداست و نجات نفس در این امور است. (میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۳۸۴)

۶- مخالفت با کارهای نفس پیسنند: امام کاظم(ع) در حدیثی زیبا راه مبارزه با نفس را اینگونه بیان می‌کند:
اذا مریک امران لا تدری ایهما خیر و صواب، فانظر ایهما اقرب الی هوی خالفه، فان کثیر الصواب فی مخالفه هواک؛ هر گاه دو کار برایت پیش آمد که ندانستی کدام یک بهتر و درست‌تر است، نگاه کن کدام یک از آنها به هوس و میل قلبی تو نزدیک‌تر است، با همان مخالفت کن، چرا که در مخالفت نفس، خیر بسیار نهفته است. (تحفالعقول، ص ۳۹۷)

خداوند در بیان آداب سفر، شرط اصلی و اساسی را توجه‌یابی مسافر به حوزه شناختی و نعمت‌های خدادادی بیان می‌کند و بر لزوم یادآوری نعمت‌های الهی و توجه به سفر آخرت، هنگام سفر و سوار شدن بر وسیله نقلیه و تسبیح گویی تأکید می‌کند.

کسب که در زمانه‌گان و در راه‌ماندگان از دیگر آداب سفر است که در آیه ۲۱۵ سوره بقره به آن توجه داده شده است. بنابراین، اگر در راه کسی را دیدیم که نیاز به تمکد دارد و ائومیل و وسیله نقلیه‌اش مشکل پیدا کرده و یا به سوخت نیاز دارد به او تمک کنیم.

از دیگر آداب سفر که در قرآن به آن اشاره شده دعوت دیدگان از خویشان و دوستان به سفر است. در سفر است. این مطلب را می‌توان از آیات ۵۸ و ۵۹ سوره یوسف به دست آورد.

سفر تنها نباید تفریحی و برای سرگرمی باشد بلکه از سفر باید به عنوان یک کلاس درس بهره گرفت. امیرمؤمنان صدر اسلام حتی از سفرهای جهادی برای آموزش دین و شناخت هستی، فلسفه زندگی، فلسفه احکام، شناخت احکام و راه به کارگیری آن سود می‌جستند و این سفرها راه سه کارگاه عملی تبدیل می‌گردند. در حقیقت سفرها در حکم دانشگاه‌های علمی کاربردی است.

از همین‌رو خداوند سفر را با چنین عنوانی در آیه ۱۲۲ سوره توبه معرفی کرده است.
کسب که در زمانه‌های گذشته به نیت خیر این‌گونه توجیه می‌دهد و می‌فرماید:
مسافرت باید برای یکی از این سه امر باشد:
۱- تهیه توشه آخرت
۲- تأمین وسایل آسایش از مواد غذایی و بهداشتی و مانند آنها می‌بایست در برنامه سفر قرار گیرد.

در سنتن و سیره پیشوایان دین یعنی هم در

صفحه ۸
سه‌شنبه ۲۳ تیر ۱۳۹۴
۲۷ رمضان ۱۴۳۶ – شماره ۲۱۰-۷



چراغ راه

زیاد خوردن دل را می‌میراند

قال النبی(ص): «لا تمیتوا القلوب بکنه الطعام و الشراب، فان القلب يموت کالزعرع اذا کثر علیه الماء»

پیامبر اعظم(ص) فرمود: دل‌های خود را با زیاد خوردن و زیاد آشامیدن نمیرانید، زیرا که دل‌ها می‌میرند، مانند کشتزار، هر گاه زیاد به آنها آب داده شود. ^(۱)

۱- الحیاه، ج ۷، ص ۳۲۰



حکایت خوبان

دعوت عملی و جاذبه رفتاری

زکریا نقل می‌کند که من در منی به خدمت حضرت امام‌صادق(ع) آدمم، مردم دور او را گرفته و از آن حضرت سؤال می‌کردند، مانند اطفال که از آموزگار خود سؤال می‌مایند.

بعد از آنکه به کوفه آمدم به مادر خود مهربانی نمودم، غذا به او می‌خورانیدم، لباس و سر او را از الودگی پاک، که او خدمت می‌کردم، مادرم به من گفت: پسر! زمانی که به دین من بودی چنین نمی‌کردی، رمز این مهربانی چیست؟ گفتم: مردی از فرزندان پیغمبر مرا، مرا چنین امر فرموده، مادرم گفت: او پیغمبر است؟ گفتم: به پسر پیغمبر می‌باشد، گفتم: این پیغمبر است، زیرا سیره و شیوه و صایای پیغمبران چنین است، گفتم: ای مادرا! همانا بعد از پیغمبر ما دیگر پیغمبری نخواهد آمد، این مرد فرزندان پیغمبر ما است. مادرم گفت: پسر جان! دین تو بهترین دینها است، برای من آن را شرح بده. من اسلام را بر او عرضه داشتم و به او اسلام را یاد دادم و او هم مسلمان شد، بعد از آنکه نظر ظاهر و صبر و عنا را خواند، عرض‌ای پیدا کرد، به من گفت: فرزندانم! آنچه از دین و آداب به من آموختی، دوباره اعاده کن و به من بگو، دوباره کن. من اسلام را بر او عرضه داشتم، او اقرار کرد و وفات نمود. ^(۱)

۱- اصول کافی، ج ۳ ص ۲۳۳



پرسش و پاسخ

تعیین سر نوشت انسان

پرسش:
سر نوشت انسان در این عالم چگونه رقم می‌خورد و میزان نقش، اختیار و آزادی خود انسان در این رابطه چقدر است؟

پاسخ:
در بخش نخست پاسخ به این سوال ضمن تأکید بر قدمت تاریخی بحث جبر و اختیار و فراز و نشیب ایسن موضوع در طول تاریخ به دو نکته کلیدی شامل:
۱- نظام علیت در عالم هستی:
اعم از علل مادی و روحانی
۲- موهبت الهی به انسان در جهت تعیین سر نوشت خود، اشاره کردیم.
اینک در بخش پایانی دنباله مطلب را بی می‌گیریم:

۳- سنت الهی که لایتلف و لاینغیر هستند بر نظام جهان حاکم هستند و به حکم قضا و قدر کلیه حوادث بر اساس این سنن شکل می‌گیرند.
اینکه هر فرد یا جامعه‌ای شگوشکوب باشد در تبعاع دستخوشی خود موهبت را بدست می‌آورد.
اینکه آینده جهان به دست مومنان و موحدان خواهد بود.
اینکه تا درمی با ابتکار خودشان در اوضاع و احوال خود تغییری ندهند، خداوند اوضاع و احوال عمومی آنها را عوض نمی‌کند و...
از جمله این سنن حاکم بر جهان هستند.

۴- آیا سنن الهی در برابر حرکت انسان‌ها با هر مرام، مکتب و ایده و نیتی یکسان عمل می‌کنند یا خیر؟
از نظر الهی، جهان نسبت به امور بی طرف نیست و طرفدار اهل حق و درستی و عدالت است.
معتمد به تقدیر الهی، به حکمت و رحمت و مهربانی است.
اینکه تا درمی با ابتکار خودشان رضای خدا را تحصیل کنند، یعنی از سنت شرعی الهی پیروی کند در کنتف آن محفوظ خواهد ماند.
این گونه اعتقاد به تقدیر و تدبیر الهی که نتایج‌اش توکل و اعتماد است.
به خداست ترس از مرگ و نابودی و همچنین ترس از فقر و بی‌چیزی را از میان می‌برد و بزرگترین نقطه ضعف آدمی را که ترس از نیستی یا هستی شقاوت‌آلود است، اصلاح می‌کند.
اعتقاد به وجود این‌گونه حساب‌ها در کار عالم بود که مسلمان صدر اسلام را آن اندازه فعال و کوشا و شجاع و دلیر بار آورد که در جهان مانند ندارد.
قرآن کریم وصف حال آنها را اینگونه ذکر می‌کند:

انسان که مردم به آنها گفتند جمعیتی انبوه برای نابودی شما گرد آمده‌اند، پس برسید از آنها، ما این تهد